

Research Article

Investigating the Moderating Role of Family Ownership on the Relationship Between Corporate Social Responsibility and Tax Avoidance: Testing the Theory of Socioemotional Wealth and Agency Theory

Yasser Rezaei Pitenoeei*

Assistant Professor of Accounting, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Mohammad Gholamrezapoor

Master of Accounting, Golestan Institute of Higher Education, Gorgan, Iran.

Seyed Pouria Kazemi

Master of Accounting, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Narjes Amirniya

Master of Auditing, Bandargaz Branch, Islamic Azad University, Bandargaz, Iran.

Abstract

Family companies participate in corporate social responsibility activities to maintain their socio-emotional wealth. However, they are also interested in tax avoidance activities due to economic benefits and high agency conflict between minor and major shareholders. Therefore, the purpose of the present study is to investigate the moderating role of family ownership as one of the ownership structures on the relationship between social responsibility and corporate tax avoidance. The research hypotheses are tested by using a sample consisting of 126 companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2014 to 2018. The results of the study, according to stakeholder theory, show that there is a significant negative relationship between social responsibility and tax avoidance. The results also showed that family ownership, in accordance with the socioemotional wealth theory and alignment of interests between managers and owners has less agency issues in it. Family ownership as moderating variable exacerbates the negative relationship between social responsibility and corporate tax avoidance. Also, the results of the sensitivity analysis test showed that the use of alternative criteria to measure tax avoidance also has no effect on the main results of the research and the results of the research are robust. The present study, while answering the research questions, seeks to understand the role of social commitment in the field of tax savings methods and also to examine the moderating role of family ownership in this field and will show what effect family ownership has on the economic and moral behavior of companies; As a scientific achievement, this issue can provide useful information to users of accounting information.

Keywords: Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance, Family Ownership, Socioemotional Wealth Theory, Agency Theory.

*. rezaei.yasser@gmail.com

پژوهش‌های حسابداری مالی

سال سیزدهم، شماره اول، پیاپی (۴۷)، بهار ۱۴۰۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

صص: ۴۵-۶۶

مقاله پژوهشی

بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی: آزمون نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی و نمایندگی

یاسر رضائی پیته نوئی^{۱*}، محمد غلامرضا پور^{**}، سید پوریا کاظمی^{***}، نرجس امیرنیا^{****}

*استادیار حسابداری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

rezaei.yasser@gmail.com

**کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی گلستان، گرگان، ایران.

mohammad.gh5736@gmail.com

***کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابل، ایران.

pouria_74k@yahoo.com

****کارشناسی ارشد حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران.

narjes.amirniya@yahoo.com

چکیده

شرکت‌های خانوادگی به سبب حفظ ثروت اجتماعی - عاطفی خود در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی مشارکت می‌کنند. با وجود این، آنها به دلیل منافع اقتصادی و تعارض نمایندگی بالا بین سهامداران جزء و عمده به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی نیز تمایل دارند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی به‌عنوان یکی از ساختارهای مالکیت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است. فرضیه‌های پژوهش با نمونه‌ای متشکل از ۱۲۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ بررسی شدند. نتایج پژوهش با توجه به نظریه ذینفعان نشان می‌دهند بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین، نتایج نشان دادند مالکیت خانوادگی، مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی و همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را تعدیل (تشدید) می‌کند. نتایج آزمون تحلیل حساسیت نیز نشان دادند استفاده از معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی نیز تأثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام برخوردار است. پژوهش حاضر، ضمن پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، درصد درک نقش تعهد اجتماعی در زمینه روش‌های صرفه‌جویی مالیاتی و همچنین، بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در این زمینه است. همچنین، نشان داده است مالکیت خانوادگی چه تأثیری بر رفتار اقتصادی و اخلاقی شرکت‌ها می‌گذارد؛ این موضوع به‌عنوان دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، اجتناب مالیاتی، مالکیت خانوادگی، نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی، نظریه نمایندگی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین هزینه‌های هر شرکتی هزینه‌های مربوط به مالیات است که در پژوهش‌های گذشته به تفصیل بررسی شده‌اند؛ این هزینه‌ها رابطه مستقیمی با سودآوری و ارزش سهامداران دارند [۵]. گراهام [۴۹] به برخی تأثیرات مالیات بر فرایند تصمیم‌گیری شرکت‌ها اشاره کرده است. برخی مطالعه‌ها نیز درباره انگیزه‌های موجود برای اتخاذ راهبردهای اختیاری به منظور به حداقل رساندن مالیات انجام شده‌اند [۷۱، ۷۲]. با وجود این، برخی از مطالعه‌ها نیز معتقدند شرکت‌ها به جای کاهش پرداخت مالیات به دنبال به حداکثر رساندن آن‌اند تا از این طریق، به حفظ وجهه عمومی خود قادر باشند [۸۰-۷۳-۷۰-۶۸]. مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد شرکت‌هایی که به عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی خود اهمیت می‌دهند، از انگیزه زیادی برای حفظ وجهه خود برخوردارند [۳۶، ۴۵]. درحقیقت، این شرکت‌ها شهرت خود را بر پایه عملکرد مسئولیت اجتماعی بنا می‌نهند و بنابراین، افزایش وجهه مسئولیت اجتماعی شرکتی از اهمیت بسزایی برای آنان برخوردار است [۱]. با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی با پیامدهای منفی برای وجهه شرکت‌ها همراه است، شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی می‌باید از انجام فعالیت‌های صرفه‌جویی مالیاتی خودداری کنند. با وجود این، بعضی اوقات مشاهده شده است شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی^۱ نیز به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی اقدام کرده‌اند [۶۵، ۷۲]. درنهایت، آنچه مشخص است وجود شواهد متعارض در زمینه رفتار شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی در بحث پرداخت مالیات است.

مباحث مطرح درباره اجتناب مالیاتی شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی با خلأ پژوهشی درباره تأثیر

ساختار مالکیت، به خصوص مالکیت خانوادگی بر این رفتار پیوند خورده است. به‌طورکلی، ادبیات پژوهش بر تعهد بالای شرکت‌های خانوادگی در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی تأکید دارد [۲۲، ۳۲]. به عبارت دیگر، شرکت‌های خانوادگی ضمن توجه ویژه به تقاضای سهامداران و تداوم فعالیت‌های اجتماعی خود به دنبال ارائه یک عملکرد اجتماعی و محیطی پذیرفته شده از سوی خود هستند [۴۷-۴۶-۳۲]. با وجود این، با توجه به ادبیات پژوهش، شرکت‌های خانوادگی، رفتارهای متفاوتی در زمینه فعالیت‌های اجتناب مالیاتی از خود نشان می‌دهند [۶۸-۷۰-۷۱-۸۰-۷۲]. براساس نظریه تصاحب منافع شخصی^۲، مالکیت خانوادگی می‌تواند میان این نوع مالکان و سهامدارن جزء، مسائل نمایندگی به وجود آورد؛ زیرا شرکت‌های خانوادگی بیشتر به دنبال سوء استفاده از سهامداران جزء برای تأمین منافع شخصی و درنتیجه، افزایش ثروت خود هستند [۲۰]. یکی از ابزارهای مالکان خانوادگی برای تأمین منافع شخصی آنان، ارتکاب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی است؛ زیرا چنین فعالیت‌هایی مستلزم پنهان کردن حقایق و انجام معامله‌های پیچیده از سوی مدیران شرکت‌ها است و بدین ترتیب، توانایی سهامداران جزء برای نظارت بر رفتارهای مدیریتی کاهش می‌یابد و درنتیجه، سپری برای فرصت‌طلبی مدیران فراهم می‌سازد [۴۳]. با وجود این، مطالعه‌های دیگر مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی^۳، ضمن ارائه یافته‌هایی کاملاً متفاوت اذعان می‌دارند شرکت‌های خانوادگی، بیشتر درصدد افزایش وجهه و تداوم حضور خود در بازارند و مالکان خانوادگی مراقب شهرت و نام شرکت‌شان هستند؛ زیرا شرکت‌هایشان به‌صورت موروثی به نسل‌های آینده منتقل می‌شود [۲۴]. بنابراین، به جای انجام اقدام‌های خطرناک نظیر

۱. شرکت‌هایی که الزامات مسئولیت‌پذیری اجتماعی را رعایت و آن را در گزارش‌های خود افشا می‌کنند.

2 Takeover personal interests theory

3 Socioemotional wealth theory

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها، پژوهش به پایان می‌رسد.

مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

عملکرد اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی

براساس نظریه نمایندگی، یک شرکت در قالب توافق یا قرارداد منعقدشده بین سهامداران و مدیران با هدف ایجاد ثروت برای سهامداران تعریف می‌شود [۵۴]. با وجود این، دغدغه‌های جوامع درباره مسائل محیطی و اجتماعی در طی دهه‌های اخیر به شدت افزایش یافته است. دامنه این دغدغه‌ها به محیط شرکت‌ها نیز انتقال پیدا کرده است؛ زیرا انتظار می‌رود توجه شرکت‌ها معطوف به فعالیت‌های دوستدار محیط زیست و مسئولیت اجتماعی شود. در طی سال‌های گذشته، تعداد شرکت‌های فعال داوطلب در عرصه مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی به شدت رو به افزایش بوده و این مسئله توجه پژوهشگران را به خود جلب کرده است [۶۱-۵۴-۲۸].

راهبرد مسئولیت اجتماعی شرکتی یک مدل مدیریتی جایگزین و نوظهور محسوب می‌شود که شرکت را مجموعه‌ای از روابط بین مالکین و مدیران و سایر گروه‌های دخیل در فرایند تکامل شرکت نظیر کارکنان، مشتریان، تأمین‌کنندگان، رقبا، محیط و به طور کل جامعه قلمداد می‌کند [۱۱]. مطالعه‌های پیشین [۳۹، ۶۵] معتقدند یکی از مهم‌ترین پیامدهای اهتمام به انجام مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی، افزایش وجهه شرکت است که این امر به افزایش درک ذینفعان و اعتماد آنها به شرکت منتج می‌شود [۳۳، ۷۹].

فارغ از دغدغه‌های اجتماعی و زیست محیطی، یکی دیگر از دغدغه‌های همیشگی شرکت‌ها سهم مالیات‌ها در هزینه‌های شرکت است؛ زیرا پرداخت مالیات همواره به معنی کاهش ثروت سهامداران است. در سال‌های اخیر، دغدغه‌های پژوهشی درباره

اجتناب مالیاتی به دنبال انجام فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی خود هستند [۷۳-۵۵-۵۳-۲۶].

بنابراین، با توجه به رفتارهای متفاوت شرکت‌ها و وجود نتایج مختلف و متنوع، به خصوص درباره شرکت‌های خانوادگی، سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا وجود مالکیت خانوادگی تأثیری بر رفتار شرکت‌ها دارد یا خیر؛ با این حال، نادیده انگاشته شدن این موضوع در عمده مطالعه‌های داخلی و وجود یک فضای خالی در ادبیات حسابداری و مالیاتی، به ایجاد انگیزه‌ای برای انجام پژوهش حاضر منجر شد؛ از این رو، هدف پژوهش حاضر آن است که به یک رابطه سه‌بعدی متشکل از مسئولیت اجتماعی شرکتی، اجتناب مالیاتی و مالکیت خانوادگی بپردازد و درصدد است تا با کمک نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی و نظریه نمایندگی دریابد آیا مالکیت خانوادگی تأثیری بر توازن بین اهداف اقتصادی و اخلاقی شرکت‌ها دارد یا خیر.

نتایج پژوهش حاضر می‌تواند موجب بسط مبانی تجربی پژوهش‌های گذشته شود و به توسعه ادبیات حسابداری و مالیاتی در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران، کمک شایانی کند. همچنین، پژوهش حاضر، ضمن پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش، درصدد درک نقش تعهد اجتماعی در زمینه روش‌های صرفه‌جویی مالیاتی و نیز بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در این زمینه است و نشان خواهد داد مالکیت خانوادگی چه تأثیری بر رفتار اقتصادی و اخلاقی شرکت‌ها می‌گذارد که این موضوع به‌عنوان دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری قرار دهد. در ادامه، ابتدا مبانی نظری، فرضیه‌ها و پیشینه پژوهش ارائه شده‌اند. سپس با بیان یافته‌ها و

خود اجتناب می‌کند؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش به شکل زیر تدوین می‌شود:

فرضیه اول: عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکت، تأثیر منفی بر اجتناب مالیاتی دارد.

نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی

شرکت‌های خانوادگی از جنبه‌های گوناگون تعریف می‌شوند. عضویت اعضای خانواده در هیئت مدیره، درصد مالکیت سهم از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ چشمگیر خانواده در شرکت، از عواملی اند که شرکت‌های خانوادگی به کمک آنها تعریف می‌شوند [۱۶]. در مقایسه با دیگر سهامداران، مالکیت خانوادگی یک ساختار سازمانی مؤثر در نظر گرفته می‌شود [۶۸، ۱۹]. شرکت‌های خانوادگی دارای تمرکز مالکیت بیشتر، سیاست‌های متنوع کمتر و اهداف بلندمدت‌ترند و همچنین، نگرانی بیشتری بابت شهرت خود دارند [۲۹]. ضمن اینکه در شرکت‌های خانوادگی، معمولاً اعضای خانواده نه تنها مالک شرکت، مدیر نیز هستند و می‌توانند بر تصمیم‌های شرکت تأثیر بگذارند. به بیان دیگر، آنها از قدرت زیاد و مناصب اساسی برخوردارند که در وهله نخست بر فرآیندهای مدیریت و تصمیم‌گیری و سپس بر تعهد اجتماعی شرکت و رفتار اجتناب مالیاتی آن تأثیرگذارند.

با توجه به ارتقای راهبردهای مسئولیت اجتماعی شرکتی در شرکت‌های خانوادگی، مدل ویزمن و گومز - میجا [۷۶] و گومز - میجا و همکاران [۴۷] با عنوان ثروت اجتماعی - عاطفی، معتقد به تمایل شرکت‌های خانوادگی به انجام رفتارهای مسئولیت اجتماعی‌اند. آنها معتقدند تصمیم‌های اتخاذشده در شرکت‌های خانوادگی منوط به حفظ ثروت اجتماعی - عاطفی شرکت‌اند که به نوعی سرلوحه تصمیم‌های مدیریتی نیز محسوب می‌شوند. براساس نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی، شرکت‌های خانوادگی تمایل

رابطه مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی همواره وجود داشته است [۲، ۳]. مطابق با ادبیات پژوهش، وجود تعادل بین اهداف زیست محیطی، اجتماعی و اقتصادی از ضرورت بسیاری برخوردار است [۶۲]؛ زیرا همان‌طور که پرداخت مالیات از سوی شرکت برای جامعه منافی دارد، بر عملکرد اجتماعی و زیست محیطی شرکت نیز تأثیرگذار خواهد بود [۴]. همچنین، اجتناب مالیاتی یا هرگونه اقدامی در راستای صرفه‌جویی مالیاتی، ممکن است که بر علیه منافع جامعه باشد. همچنین، اجتناب مالیاتی ممکن است تأثیر منفی بر وجهه شرکت به عنوان ارزشمندترین دارایی شرکت داشته باشد. در همین رابطه، لاندی و همکاران [۵۸] معتقدند صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از فرایند اجتناب مالیاتی به مراتب کمتر از هزینه از دست رفتن شهرت شرکت در اثر انجام این فعالیت‌ها است؛ بنابراین، انتظار بر وجود رابطه منفی بین مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی است و هرچه عملکرد شرکت در زمینه مسئولیت اجتماعی افزایش یابد، به همان نسبت نیز میزان اجتناب مالیاتی شرکت کاهش خواهد یافت. اعتقاد بر این است که شرکت‌ها می‌باید با صیانت از فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی خود، ضمن حفظ وجهه خود در جامعه [۴۵] رابطه مثبت خود را با ذینفعان حفظ کنند تا از این طریق، بر ارزش شرکت و سهامداران بیافزایند. لویز - گونزالز و همکاران [۶۳] نیز در پژوهش خود ارتباط منفی بین مسئولیت اجتماعی شرکت و اجتناب را نشان دادند. همچنین، انتظار می‌رود کاهش اجتناب مالیاتی باعث برقراری توازن بین منافع اقتصادی و زیست محیطی شود. به عبارت دیگر، شرکت‌های دارای مسئولیت اجتماعی از انجام هرگونه فعالیت آسیب‌رسان به وجهه و شهرت

زیادی به پاسخگویی به مسائل اجتماعی و ذینفعان در مقایسه یا سایر شرکت‌ها دارند [۶۶، ۶۴] و اعتقاد بر این است که ویژگی بارز شرکت‌های خانوادگی، اهداف غیرمالی آنها نظیر هویت، وجهه، تداوم فعالیت و حفظ وجهه مطلوب در محیط جامعه است [۲۲، ۶۴].

همچنین، تأثیر مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی شرکتی از دو منظر تأیید شده است. با توجه به تأثیر مالکیت خانوادگی بر اجتناب مالیاتی، دو رویکرد کاملاً متفاوت از منظر نظریه نمایندگی مطرح می‌شود؛ یک جریان پژوهشی قائل به حفظ وجهه خانوادگی برای نسل‌های آینده است [۵۳]. در شرکت‌های خانوادگی به دلیل تمرکز مالکیت بیشتر و همسویی منافع بین مدیران و مالکان، مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد [۵۵]. نتایج پژوهش‌های اخیر نیز بیان می‌کنند مالکان خانوادگی، بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار خود بوده‌اند و انگیزه کمتری برای اجتناب مالیاتی دارند. مالکان خانوادگی مراقب شهرت و نام شرکت‌شان هستند؛ زیرا شرکت‌هایشان به صورت موروثی به نسل‌های آینده منتقل می‌شوند [۲۴]. به این ترتیب، آنها به جای نگرانی درباره سودآوری و منافع کوتاه‌مدت خود، نگران حفظ بلندمدت این ثروت آبا و اجدادی خود هستند. در همین رابطه، جنسن و مک‌لینگ [۵۴] معتقدند افزایش مالکیت خانوادگی و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی بین مدیریت و مالکیت می‌شود [۴۱]. گومز - میجا و همکاران [۴۶] نیز معتقدند شرکت‌های خانوادگی در نتیجه افزایش تمرکز مالکیت به عنوان یک مکانیسم نظارتی مؤثر، از هزینه‌های نمایندگی کمتری برخوردارند [۶۷]. این استدلال نشان می‌دهد به عنوان یک ویژگی حاکمیت شرکتی، مالکیت خانوادگی، مشکل بالقوه فرصت‌طلبی مدیریتی را کاهش می‌دهد

و به موقعیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری منجر می‌شود. چن و همکاران [۲۹] نیز دریافتند شرکت‌های خانوادگی، اجتناب مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی دارند. همچنین، یکی از تفاوت‌های مهم شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی دغدغه‌های آنها در زمینه ثروت اجتماعی - عاطفی است. از منظر رویکرد ثروت اجتماعی - عاطفی، شرکت‌های خانوادگی مبادرت به اتخاذ تصمیم‌هایی می‌کنند که توجیه اقتصادی عقلانی برای شرکت ندارد [۲۱، ۴۸]. آنها معمولاً از اتخاذ تصمیم‌های پرخطری که ممکن است ثروت اجتماعی - عاطفی و خانوادگی آنها را به خطر بیندازد، اجتناب می‌کنند و چشم‌داشتی به منافع و سودآوری کوتاه‌مدت حاصل از آن تصمیم‌ها ندارند [۳۱]؛ بنابراین، آنها هیچگاه خطر بدنام‌شدن به دلیل انجام فعالیت‌های مالیاتی نه‌چندان مشخص را به جان نمی‌خرند. در همین رابطه، دایر و ویتن [۳۶] معتقدند شرکت‌های خانوادگی تعصب زیادی بر انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود دارند؛ بنابراین، از انجام هرگونه فعالیتی که تأثیر منفی بر وجهه و نام خانوادگی آنها داشته باشد، پرهیز می‌کنند. همچنین، رضائی پینه‌نوئی و غلامرضا پور [۶] دریافتند در ایران مالکیت خانوادگی، به دلیل همسویی منافع بین مدیران و مالکان و مسائل نمایندگی کمتر در آن، موجب کاهش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌شود؛ بنابراین، از شرکت‌های خانوادگی انتظار می‌رود تمایلی به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی نداشته باشند تا از این طریق به حفظ وجهه خود قادر باشند. دیدگاه مخالف بیان می‌کند مالکیت خانوادگی به بروز مسائل نمایندگی بین سهامداران عمده و سهامداران جزء منجر می‌شود؛ زیرا در اینگونه شرکت‌ها، سهامداران عمده و خانوادگی سعی در تأمین منافع شخصی خود با هزینه سهامداران جزء دارند [۴۰]. همسو با این دیدگاه، پژوهش‌های متعددی به

بنابراین، استدلال می‌شود مالکیت خانوادگی بتواند تأثیر عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی بر اجتناب مالیاتی را تعدیل (تشدید یا تضعیف) کند؛ اما نوع تعدیل (تشدید یا تضعیف) با توجه به دو نظریه مطرح شده، بر پایه دو مسئله استوار است: (۱) تعهد بالای شرکت‌های خانوادگی در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی شرکتی (نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی) و (۲) افزایش تعارض نمایندگی بین سهامداران جزء و عمده که به افزایش اجتناب مالیاتی منجر می‌شود (نظریه نمایندگی)؛ بنابراین، فرضیه دوم پژوهش براساس نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی با توجه به دو نظریه فوق به صورت زیر ارائه می‌شود:

فرضیه دوم: مالکیت خانوادگی باعث تعدیل رابطه منفی بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌شود.

نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی: مالکیت خانوادگی باعث تشدید رابطه منفی بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌شود. نظریه نمایندگی: مالکیت خانوادگی باعث تضعیف رابطه منفی بین عملکرد مسئولیت اجتماعی شرکتی و اجتناب مالیاتی می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش متشکل از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۷ است که با توجه به نگاره (۱) تعداد ۱۲۶ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند.

موضوع شرکت‌های خانوادگی پرداخته‌اند؛ برای مثال، برتراند و همکاران [۲۳] و بآ و همکاران [۲۰] به شواهدی مبنی بر رفتار فرصت طلبانه و انحراف منابع در شرکت‌های خانوادگی هندی و شرکت‌های خانوادگی کره‌ای دست یافتند که چنین رفتارهایی کاهش بازده در شرکت‌های خانوادگی را به همراه خواهد داشت. درخصوص تمایل مالکان خانوادگی به ارتکاب فعالیت‌های اجتناب مالیاتی، چنین استدلال می‌شود با توجه به اینکه اجتناب مالیاتی مستلزم انجام معامله‌های پیچیده از سوی مدیران شرکت‌هاست و توانایی سهامداران جزء برای نظارت بر رفتار مدیران را کاهش می‌دهد، مکانیزم مناسبی برای تأمین منافع شخصی مالکان خانوادگی به شمار می‌رود [۴۳]. علاوه بر این، معمولاً خانواده‌هایی که مالکیت شرکت‌ها را بر عهده دارند، به دنبال افزایش قدرت خود و حفظ مالکیت موروثی شرکت در میان اعضای خانواده و نسل‌های آتی خود هستند که در این میان، نگهداشت وجه نقد ابزاری مهم برای پیشگیری از خطرهای احتمالی ورشکستگی و افزایش ثروت خانواده محسوب می‌شود [۳۵]. کورومان و وندت [۵۷] دریافتند شرکت‌های خانوادگی از اجتناب مالیاتی بیشتری نسبت به شرکت‌های غیر خانوادگی در کشور آلمان برخوردارند؛ بنابراین، با توجه به اینکه سیاست‌های اجتناب مالیاتی باعث کاهش خروج وجه نقد از شرکت می‌شود، انتظار می‌رود بین مالکیت خانوادگی و راهبرد اجتناب مالیاتی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود داشته باشد.

نگاره ۱. روند انتخاب نمونه آماری

| ردیف | شرح | تعداد شرکت‌ها |
|------|--|---------------|
| ۱ | کل شرکت‌هایی که تا پایان سال ۱۳۹۷ عضو بورس بودند. | ۳۴۱ |
| ۲ | از ابتدای سال ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته نشده باشد. | (۷۲) |
| ۳ | سال مالی آن منتهی به پایان اسفندماه نباشد. | (۴۶) |
| ۴ | تغییر سال مالی یا تغییر فعالیت داده باشد. | (۳۵) |
| ۵ | جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی باشد. | (۶۲) |
| ۷ | تعداد نمونه آماری انتخاب شده | ۱۲۶ |

مالیاتی بیان‌کننده یک استراتژی مستمر و پایدار در زمینه برنامه‌ریزی مالی استراتژیک است که دربرگیرنده فعالیت‌های کاملاً قانونی است؛ از آن جمله می‌توان به هدایت منابع واحد تجاری در راستای فعالیت‌های معاف از مالیات از جمله سرمایه‌گذاری در اوراق مشارکت، مطرح کردن معاملات و رویدادها در یک محدوده زمانی معین برای استفاده از مزایای مالیاتی و استفاده از روش‌های حسابداری اشاره کرد که صرفه‌جویی مالیاتی بیشتری ایجاد می‌کنند [۸]. در ادبیات حسابداری، برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی، معیار منحصر به فردی وجود ندارد که مقبول همه باشد؛ بنابراین، در این پژوهش، برای محاسبه اجتناب مالیاتی از دو سنجه زیر استفاده شده است.

اولین سنجه مبتنی بر نرخ مؤثر مالیاتی شرکت (ETR) است که به نسبت کل هزینه مالیات به درآمد قبل از مالیات اشاره دارد. این اندازه‌گیری به‌طور گسترده‌ای در مطالعات اخیر [۵۹-۶۶-۲۹-۴۳-۷۸-۹-۶] استفاده شده است. کاهش میزان نرخ مؤثر مالیاتی، نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی است؛ بنابراین، نرخ‌های مالیاتی محاسبه‌شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شوند.

دومین سنجه اجتناب مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی ($CFETR$) است و از نسبت کل هزینه مالیات به جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی محاسبه می‌شود [۹-۶۹-۶۰-۶]. این اندازه‌گیری براساس اطلاعاتی از صورت جریان وجوه نقد است که می‌تواند تأثیر مدیریت سود را نادیده بگیرد (حذف کند) [۲۱]. کاهش میزان نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی نیز نشان‌دهنده سطح بالای اجتناب مالیاتی است؛ بنابراین، نرخ‌های مالیاتی محاسبه‌شده، در عدد منفی یک (-۱) ضرب می‌شوند.

داده‌های پژوهش حاضر با مراجعه به صورت‌های مالی و یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجود در سامانه کدال، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار استخراج شدند. تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها با نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews10 و Stata14 صورت گرفت.

مدل و متغیرهای به‌کاررفته

به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چندمتغیره زیر بر مبنای مطالعه لویز - گونزالز و همکاران [۶۳] استفاده شده است:

$$TA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 ROA_{i,t} + \beta_3 GROW_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 CAPINT_{i,t} + \beta_7 INVINT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (1)$$

$$TA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 CSR_{i,t} + \beta_2 FAMILY_{i,t} + \beta_3 CSR * FAMILY_{i,t} + \beta_4 ROA_{i,t} + \beta_5 GROW_{i,t} + \beta_6 SIZE_{i,t} + \beta_7 LEV_{i,t} + \beta_8 CAPINT_{i,t} + \beta_9 INVINT_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

که در مدل‌های فوق:

$TA_{i,t}$: اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t : $CSR_{i,t}$: مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت i در سال t : $FAMILY_{i,t}$: مالکیت خانوادگی شرکت i در سال t : $ROA_{i,t}$: بازده دارایی شرکت i در سال t : $GROW_{i,t}$: رشد شرکت i در سال t : $SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t : $LEV_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t : $CAPINT_{i,t}$: تمرکز بر سرمایه‌گذاری شرکت i در سال t : $INVINT_{i,t}$: موجودی کالای شرکت i در سال t و $\varepsilon_{i,t}$: جزء خطای مدل رگرسیون است. در ادامه، متغیرهای پژوهش معرفی می‌شوند:

متغیر وابسته

اجتناب مالیاتی (TA) متغیر وابسته پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. تا کنون هیچ‌گونه تعریف جامع و پذیرفتنی از اجتناب مالیاتی در ادبیات حسابداری صورت نگرفته است. با توجه به سطح وسیعی از تعاریف مطرح‌شده در این زمینه، اجتناب

متغیر مستقل

از تقسیم جمع موارد افشاشده بر کل موارد قابل افشا

به دست می‌آید؛ به طوری که:

$$CSR_{i,t} = \frac{\sum_{i=1}^n Y_i}{\sum_{i=1}^m T_i} \quad (۳)$$

که در آن:

$CSR_{i,t}$ = شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی

شرکت i در سال t ؛

$\sum_{i=1}^n Y_i$ = کلیه موارد افشا که شرکت از آن امتیاز

یک را گرفته و

$\sum_{i=1}^m T_i$ = کل موارد قابل افشا (۳۹ مورد) است.

از این شیوه اندازه‌گیری در پژوهش صفری

گرایلی [۸] و مران‌جوری و علی‌خانی [۱۲] نیز

استفاده شده است. عناوین کلی و مؤلفه‌های چک

لیست مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌کاررفته در

پژوهش، در نگاره (۲) نشان داده شده‌اند:

متغیر مستقل این پژوهش، مسئولیت‌پذیری

اجتماعی شرکت (CSR) است که برای اندازه‌گیری

آن، ابتدا با توجه به پژوهش‌های قبلی [۴۰-۵۲-۴۴]

و نظرخواهی از صاحب‌نظران مالی، چک‌لیستی

مشکل از ۳۹ مورد افشای مسئولیت اجتماعی سازگار

با محیط گزارشگری تهیه شد. سپس با مشاهده

صورت‌های مالی، یادداشت‌های توضیحی و گزارش

فعالیت هیئت‌مدیره شرکت‌های نمونه، وجود یا نبود

اقلام موجود در چک‌لیست به‌صورت دستی و

چشمی بررسی شد؛ به طوری که در صورت وجود هر

یک از این اقلام، امتیاز یک و در غیر این صورت،

امتیاز صفر برای شرکت مدنظر لحاظ شد و درنهایت،

شاخص افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی هر شرکت

نگاره ۲. چک‌لیست مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت

| عنوان کلی | مؤلفه‌ها |
|-------------------|--|
| مسائل محیطی | بازیافت یا جلوگیری از ضایعات، کنترل آلودگی، حفظ منابع طبیعی، جلوگیری از خسارت‌های زیست محیطی، سایر مسائل محیطی، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیست‌محیطی، سیاست زیست‌محیطی، پژوهش و توسعه. |
| محصولات و خدمات | کیفیت محصول/ISO، توقف تولید، توسعه محصول/سهم بازار، ایمنی و سلامت محصول، سایر محصولات و خدمات. |
| منابع انسانی | برنامه‌های آموزش و توسعه کارکنان، تعداد کارکنان، بازنشستگی و مزایای پایان خدمت، وام یا بیمه کارمندان، ورزشی و رفاهی، حقوق ماهانه/پاداش نقدی و مزایا، روحیه و ارتباطات کارمندان، سهام تحت تملک کارمندان، سلامتی و ایمنی در محیط کار، سایر منابع انسانی. |
| مشتریان | تدارک تسهیلات و خدمات پس از فروش، سلامتی مشتریان، سیاست پرداخت دیرتر برای مشتریان خاص، شکایت‌ها/رضایت‌مندی مشتریان، پاسخگویی به نیاز مشتریان، سایر مشتریان. |
| مسئولیت‌های جامعه | اقدام‌های قانونی/دعاوی قضایی، حمایت از فعالیت‌های جامعه، هدایا و خدمات خیریه، سرمایه‌گذاری اجتماعی، فعالیت‌های مذهبی/فرهنگی، سایر مسئولیت‌های جامعه. |
| انرژی | استفاده از منابع جدید، توسعه و اکتشاف منابع جدید، حفظ و صرفه‌جویی در انرژی، سایر انرژی. |

متغیر تعدیل‌گر

وسیعی از سهامداران حقیقی و حقوقی می‌توانند در

این ساختار ایفای نقش کنند. حضور سهامداران

حقیقی از یک خانواده یا فامیل با در اختیار داشتن

متغیر تعدیل‌گر پژوهش مالکیت خانوادگی است.

ساختار مالکیت شرکت‌ها بسیار متنوع است و طیف

درصد بالای سهام یا حضور آنها در هیئت‌مدیره به‌نوعی خانوادگی بودن مالکیت شرکت را نشان می‌دهد [۱۸]. عضویت اعضای خانواده در هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهام از سوی اعضای خانواده و کنترل یا نفوذ چشمگیر خانواده در شرکت از عواملی‌اند که شرکت‌های خانوادگی به‌وسیله آن تعریف می‌شوند. در تعریف مالکیت خانوادگی ادبیات مالی نشان می‌دهد شاخص‌های متفاوتی در کشورهای مختلف برای مالکیت خانوادگی وجود دارند؛ برای مثال، مرکز تحلیل‌گران و انتشاردهندگان دادهای مالی بورس آلمان در سال ۲۰۱۰ شاخص‌های خانوادگی دکس پلاس را برای تعریف شرکت‌های خانوادگی ارائه کرد. طبق بیانیه آنها شرکت‌های خانوادگی به شرکت‌هایی گفته می‌شود که دو شرط زیر را داشته باشند:

- ۱- خانواده مؤسس، دست‌کم ۲۵٪ سهام عادی را در اختیار داشته باشد.
- ۲- یکی از اعضای خانواده در هیئت‌مدیره عضویت داشته و دست‌کم ۵ درصد از سهام عادی را در اختیار داشته باشد [۱۰].

در ایران نیز کمیته تدوین استانداردهای حسابداری شماره ۲۰ سرمایه‌گذاری در واحدهای تجاری وابسته عنوان می‌کند اگر واحد سرمایه‌گذار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحدهای تجاری فرعی) دست‌کم ۲۰ درصد از حق رأی واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود از نفوذ چشمگیری برخوردار است؛ مگر اینکه نبود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد. برعکس، اگر واحد سرمایه‌گذار به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم (برای مثال، از طریق واحدهای تجاری فرعی) کمتر از ۲۰ درصد حق رأی واحد سرمایه‌پذیر را در اختیار داشته باشد، فرض می‌شود از

نفوذ چشمگیری برخوردار نیست؛ مگر اینکه وجود چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد. بر اساس این استاندارد، استدلال می‌شود زمانی که مالکیت خانوادگی به ۲۰ درصد از سهام شرکت برسد، می‌تواند بر شرکت نفوذ و کنترل داشته باشد. در همین راستا مهرآذین و همکاران معتقدند شرکت‌های خانوادگی باید دو شرط زیر را داشته باشند:

- ۱- سهامدار حقیقی مالک دست‌کم ۲۰ درصد سهام عادی شرکت باشد یا
- ۲- یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌تنهایی مالک دست‌کم ۵ درصد سهام عادی باشد یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل او، دست‌کم ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد [۱۴].

باوجود این شرط برای تعیین شرکت‌های خانوادگی، ونگ [۷۵] معتقد است شرکت‌های خانوادگی شامل شرکت‌هایی می‌شوند که میزان زیادی از سهام آنها در دست اعضای یک خانواده است و این افراد نقش مؤثری در مدیریت و هیئت‌مدیره شرکت دارند.

چاکرابارتی [۲۵] در تعریف یک شرکت خانوادگی بیان می‌کند تملک دست‌کم ۲۰ درصد از سهام شرکت ضروری است. در تعریف او از مالکیت خانوادگی، شرکت‌های خانوادگی به شرکتی اطلاق می‌شوند که یک شخص حقیقی به‌عنوان سهامدار، کنترل‌کننده شرکت باشد. به عبارت دیگر، یک شخص آنقدر سهام جمع می‌کند تا مطمئن شود دست‌کم بیست درصد از سهام شرکت را در اختیار دارد.

نمازی معتقد است شرکت‌های خانوادگی به شرکت‌هایی اطلاق می‌شوند که دست‌کم ۲۰ درصد از

سودآور انگیزه بیشتری برای شرکت در اجتناب مالیاتی دارند تا هزینه مالیاتی خود را کاهش دهند [۴۳، ۵۹].

GROW: معیاری برای اندازه‌گیری رشد شرکت در دارایی‌ها محسوب می‌شود که در قالب نسبت رشد دارایی‌ها (دارایی‌های پایان سال منهای دارایی‌های ابتدای سال تقسیم بر دارایی‌های ابتدای سال) تعریف می‌شود. شرکتی که به دنبال توسعه سریع کسب‌وکار خود است، ممکن است در مقایسه با سایر شرکت‌ها توجه بیشتری به برنامه‌ریزی مالیاتی داشته باشد [۶۹، ۷۷].

SIZE: به اندازه شرکت اشاره دارد و براساس لگاریتم طبیعی فروش خالص سالانه تعریف می‌شود. شرکت‌های بزرگ تمایل به داشتن منابع بیشتر برای انجام برنامه‌ریزی مالیاتی مؤثر و انجام هرچه مطلوب‌تر لابی‌های سیاسی برای کاهش فشار مالیاتی دارند [۳۷، ۸۱]. شرکت‌های بزرگ به دلیل قدرت اقتصادی و اجتماعی، بیشتر از شرکت‌های کوچک در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت می‌کنند [۶۹، ۷۷]. همچنین، نتایج بعضی از مطالعه‌های گذشته حاکی از آن‌اند که شرکت‌های بزرگ‌تر بیشتر از سایر شرکت‌ها به دنبال جلب نظر مردم‌اند و بنابراین، این نظارت عمومی باعث ایجاد محدودیت‌هایی در رفتارهای مالیاتی متهورانه آنها می‌شود [۲۶]. همچنین، چن و همکاران [۲۹] معتقدند اندازه شرکت ربطی به نرخ مؤثر مالیاتی آن ندارد.

LEV: معیار سنجش اهرم مالی شرکت است و براساس نسبت بدهی‌های کل به دارایی‌های کل سنجیده می‌شود. هر شرکتی که از اهرم بالاتری برخوردار باشد، به همان میزان نیز بار مالیاتی آن، کمتر و نرخ مالیاتی آن مؤثرتر خواهد بود [۵۱]، اما

سهام آنها به صورت فردی یا گروهی در دست اعضای خانواده باشد [۱۷].

شرکت‌های خانوادگی در پژوهش مهرانی و پروایی [۱۳] شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده از نفوذ شایان توجهی برخوردارند. یکی از شرایطی که نفوذ شایان توجه اعضای خانواده را در شرکت نشان می‌دهد، عضویت در هیئت‌مدیره است. برای داشتن عضو هیئت‌مدیره، درصد مالکیت اعضا دست‌کم برابر با ۱ تقسیم بر تعداد کل اعضا تعیین شده است؛ یعنی دست‌کم ۲۰ درصد با فرض تعداد اعضای ۵ نفر هیئت‌مدیره.

با توجه به مطالب ذکرشده در این پژوهش، به پیروی از پژوهش‌های پیشین [۶-۱۵-۱۴]، شرکت‌هایی خانوادگی محسوب شده‌اند که سهامدار حقیقی، مالک دست‌کم ۲۰٪ از سهام عادی شرکت باشد یا یکی از اعضای هیئت‌مدیره به‌تنهایی مالک دست‌کم ۵ درصد سهام عادی باشد یا مجموع سهام عضو حقیقی هیئت‌مدیره و اعضای خانواده و فامیل او، دست‌کم ۵ درصد مجموع سهام عادی شرکت باشد؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر، اگر شرکتی یکی از ویژگی‌های فوق را داشته باشد، خانوادگی تلقی می‌شود و عدد یک را می‌پذیرد و در غیر این صورت، عدد صفر به آن اختصاص داده می‌شود.

متغیرهای کنترلی

ROA: به عنوان معیاری برای سودآوری شرکت استفاده می‌شود که از طریق تقسیم سود خالص بر مجموع دارایی‌ها محاسبه می‌شود. شرکت‌های دارای سودآوری بالاتر از نرخ مالیاتی مؤثرتری نیز برخوردارند [۲۹-۷۵-۵۵]. با وجود این، برخی از پژوهش‌های معتقدند شرکت‌های سودآورتر نرخ مؤثر مالیاتی پایین‌تری دارند [۳۴، ۸۷] و شرکت‌های

INVINT: میزان موجودی کالا را نشان می‌دهد که حاصل تقسیم موجودی کالا بر کل دارایی‌ها است [۵۱]. افزایش میزان موجودی کالا به‌شدت متأثر از تفاوت‌های دفتری مالیات در ارزش‌گذاری موجودی‌ها است [۲۷، ۸۱].

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش برای نمونه‌ای متشکل از ۶۳۰ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۳ در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره ۳. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

| متغیر | نماد متغیر | میانگین | میان | حداقل | حداکثر | انحراف معیار |
|------------------------------------|---------------|--------------------|--------------------|--------|--------|--------------|
| نرخ مؤثر مالیاتی | <i>ETR</i> | -۰/۰۹۴ | -۰/۰۷۵ | -۰/۵۷۶ | ۰ | ۰/۰۹۶ |
| نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی | <i>CFETR</i> | -۰/۱۰۸ | -۰/۰۴۳ | -۰/۷۳۸ | ۰ | ۰/۱۵۱ |
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی | <i>CSR</i> | ۰/۲۵۵ | ۰/۲۳۱ | ۰/۱۵۴ | ۰/۴۸۷ | ۰/۰۸۸ |
| سودآوری | <i>ROA</i> | ۰/۰۹۶ | ۰/۰۷۴ | -۰/۳۷۰ | ۰/۶۵۱ | ۰/۱۴۱ |
| رشد شرکت | <i>GROW</i> | ۰/۱۷۶ | ۰/۱۱۱ | -۰/۳۴۸ | ۱/۵۲۱ | ۰/۲۶۶ |
| اندازه شرکت | <i>SIZE</i> | ۱۴/۴۰۲ | ۱۴/۲۵۰ | ۹/۰۶۹ | ۱۹/۵۶۶ | ۱/۶۰۱ |
| اهرم مالی | <i>LEV</i> | ۰/۵۹۲ | ۰/۵۸۴ | ۰/۰۱۳ | ۱/۷۸۸ | ۰/۲۴۴ |
| تمرکز بر سرمایه‌گذاری | <i>CAPINT</i> | ۰/۲۷۲ | ۰/۲۳۵ | ۰/۰۰۱ | ۰/۸۷۸ | ۰/۱۸۹ |
| موجودی کالا | <i>INVINT</i> | ۰/۲۲۱ | ۰/۲۰۱ | ۰ | ۰/۷۳۰ | ۰/۱۳۵ |
| متغیر | نماد متغیر | درصد فراوانی عدد ۱ | درصد فراوانی عدد ۰ | | | مد |
| مالکیت خانوادگی | <i>FAMILY</i> | ٪ ۱۳/۹۷ | ٪ ۸۶/۰۳ | | | ۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

سیاست‌های مالیاتی سازگار نیست. میانگین متغیر اهرم مالی (۰/۵۹۲) نشان می‌دهد حدود ۵۹ درصد دارایی‌های شرکت‌های نمونه از طریق استقراض و بدهی، تأمین مالی شده‌اند. علاوه بر این، اندازه شرکت بیشترین انحراف معیار را به خود نسبت داده است. نکته درخور توجه دیگر این نگاره، درصد

براساس نگاره فوق، مقدار میانگین سنجه‌های اجتناب مالیاتی شامل نرخ مؤثر مالیاتی (حدود ۱۰ درصد) و نرخ مؤثر مالیاتی جریان نقد عملیاتی (حدود ۱۱ درصد)، حاکی از آن است که با توجه به نرخ قانونی مالیات بر عملکرد شرکت‌های بورسی (۲۲/۵ درصد)، به‌طورکل وضعیت مالیاتی شرکت‌ها با

تخمین مدل‌های پژوهش استفاده شود. با توجه به بیشتر بودن معنادار نبودن آماره و ولدریج برای مدل‌ها مشکل خودهمبستگی در میان جمله خطای مدل‌ها وجود ندارد و برای رفع مشکل ناهمسانی واریانس مدل‌ها، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته استفاده می‌شود.

فراوانی عدد ۱ مربوط به متغیر مالکیت خانوادگی است که نشان می‌دهد حدود ۱۴ درصد شرکت‌های بررسی شده دارای مالکیت خانوادگی‌اند.

آمار استنباطی

نتایج آزمون F لیمر، هاسمن، ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی ارائه شده در نگاره (۴) نشان می‌دهند باید از روش داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برای

نگاره ۴. آزمون اف‌لیمر، هاسمن و ناهمسانی واریانس

| مدل | متغیر وابسته | آزمون F لیمر | | آزمون هاسمن | | آزمون برونش‌پاکان گادفری | | آزمون ولدریج | |
|---------|--------------|--------------|----------|-------------|----------|--------------------------|----------|--------------|----------|
| | | آماره | معناداری | آماره | معناداری | آماره | معناداری | آماره | معناداری |
| مدل (۱) | ETR | ۶/۴۲۶ | ۰/۰۰۰ | ۲۲/۴۶۲ | ۰/۰۰۰ | ۱۶/۷۴۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۳۴۵ | ۰/۴۳۷ |
| | CFETR | ۱۳/۹۵۶ | ۰/۰۰۰ | ۲۵/۴۱۳ | ۰/۰۰۰ | ۱۸/۴۵۰ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۱۸ | ۰/۶۱۹ |
| مدل (۲) | ETR | ۶/۷۵۴ | ۰/۰۰۰ | ۲۴/۱۳۶ | ۰/۰۰۰ | ۱۸/۴۵۲ | ۰/۰۰۰ | ۰/۴۲۷ | ۰/۳۸۶ |
| | CFETR | ۱۴/۲۳۶ | ۰/۰۰۰ | ۳۱/۴۱۲ | ۰/۰۰۰ | ۱۹/۵۲۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۸۶ | ۰/۶۷۳ |

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش براساس هر یک از دو سنجه اجتناب مالیاتی، در نگاره (۵) نشان داده شده‌اند:

نگاره ۵. نتایج برآورد فرضیه اول پژوهش براساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

| متغیر | CFETR | | | ETR | | |
|--------|----------|--------------|---------|----------|--------------|---------|
| | ضریب | انحراف معیار | آماره t | ضریب | انحراف معیار | آماره t |
| C | -۰/۰۳۹ | ۰/۰۳۷ | -۱/۰۵۳ | -۰/۰۴۸ | ۰/۱۷۵ | -۰/۲۷۶ |
| CSR | -۰/۰۳۰** | ۰/۰۰۸ | -۳/۸۲۵ | -۰/۰۳۷** | ۰/۰۱۰ | -۰/۶۴۶ |
| ROA | ۰/۰۵۵* | ۰/۰۲۶ | ۲/۱۱۴ | ۰/۰۳۸* | ۰/۰۱۶ | ۲/۴۱۰ |
| GROW | ۰/۰۱۴ | ۰/۰۱۳ | ۱/۰۴۴ | ۰/۰۳۳ | ۰/۰۲۰ | ۱/۶۴۱ |
| SIZE | ۰/۱۶۸** | ۰/۰۶۳ | ۲/۶۶۵ | ۰/۲۳۸** | ۰/۰۳۷ | ۶/۴۵۶ |
| LEV | ۰/۰۱۷ | ۰/۰۱۸ | ۰/۹۶۳ | ۰/۰۰۸ | ۰/۰۴۸ | ۰/۱۶۵ |
| CAPINT | ۰/۰۶۰ | ۰/۰۴۳ | ۱/۴۱۴ | ۰/۰۴۳ | ۰/۰۷۴ | ۰/۵۸۷ |
| INVINT | ۰/۱۰۰* | ۰/۰۴۳ | ۲/۳۲۵ | ۰/۰۳۰** | ۰/۰۰۴ | ۶/۸۰۳ |

بیشترین vif

۱۲/۶۴۵**

آماره F فیشر

۴۵/۲۴۵**

آماره F فیشر

۰/۵۵۴

ضریب تعیین تعدیل شده

۰/۵۹۴

ضریب تعیین تعدیل شده

۱/۸۵۱

آماره دوربین واتسون

۲/۱۰۲

آماره دوربین واتسون

* و ** به ترتیب بیان‌کننده معناداری آماری در سطح خطای ۵ درصد و ۱ درصد است.

منبع: یافته‌های پژوهش

منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بر اساس این، فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. نگاره (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را نشان می‌دهد:

با توجه به مقادیر آماره‌های F در این نگاره، معناداری مدل‌های رگرسیونی برازش‌شده در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود؛ ضمن اینکه با توجه به نگاره فوق، ضریب برآوردی و آماره t متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی (CSR) در هر دو مدل

نگاره ۶. نتایج برآورد فرضیه دوم پژوهش براساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

| متغیر | $CFETR$ | | | ETR | | |
|----------------------|----------|--------------|-----------|----------------------|--------------|-----------|
| | ضریب | انحراف معیار | آماره t | ضریب | انحراف معیار | آماره t |
| C | -۰/۱۲۶ | ۰/۱۱۶ | -۱/۰۸۷ | -۰/۳۳۳ | ۰/۳۲۷ | -۰/۱۰۱ |
| CSR | -۰/۱۲۲** | ۰/۰۱۹ | -۶/۵۹۱ | -۰/۱۷۹** | ۰/۰۲۰ | -۹/۰۰۶ |
| $FAMILY$ | -۰/۰۳۸* | ۰/۰۱۶ | -۲/۴۳۵ | -۰/۰۱۸** | ۰/۰۰۵ | -۳/۷۴۹ |
| $CSR*FAMILY$ | -۰/۰۳۰** | ۰/۰۰۵ | -۵/۷۹۹ | -۰/۱۰۲** | ۰/۰۳۵ | -۲/۹۳۴ |
| ROA | ۰/۰۷۹ | ۰/۰۴۶ | ۱/۴۰۶ | ۰/۰۱۲* | ۰/۰۰۶ | ۲/۱۱۲ |
| $GROW$ | ۰/۰۴۵ | ۰/۱۷۹ | ۰/۲۵۱ | ۰/۰۳۳ | ۰/۰۲۰ | ۱/۶۴۰ |
| $SIZE$ | ۰/۲۷۴** | ۰/۰۲۴ | ۱۱/۳۹۲ | ۰/۴۸۳* | ۰/۲۳۳ | ۲/۰۷۲ |
| LEV | ۰/۲۶۴ | ۰/۱۶۳ | ۱/۶۲۰ | ۰/۰۰۷ | ۰/۰۴۸ | ۰/۱۵۲ |
| $CAPINT$ | ۰/۱۱۳ | ۰/۰۸۹ | ۱/۲۶۷ | ۰/۰۴۳ | ۰/۰۷۴ | ۰/۵۸۳ |
| $INVINT$ | ۰/۰۳۶** | ۰/۰۰۹ | ۴/۱۲۱ | ۰/۱۶۱ | ۰/۰۹۱ | ۱/۷۷۱ |
| بیشترین vif | ۲/۵۱۲ | | | | | |
| آماره F فیشر | ۴۹/۶۵۷** | | | آماره F فیشر | | |
| ضریب تعیین تعدیل‌شده | ۰/۶۱۸ | | | ضریب تعیین تعدیل‌شده | | |
| آماره دورین واتسون | ۲/۰۴۶ | | | آماره دورین واتسون | | |

* و ** به ترتیب بیان‌کننده معناداری آماری در سطح خطای ۵ درصد و ۱ درصد است.

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل دوم به این معنی است که مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی، مالکیت خانوادگی تأثیر منفی مسئولیت‌های اجتماعی بر اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند.

تجزیه و تحلیل حساسیت

به منظور بررسی استحکام و قابلیت اتکای نتایج پژوهش، رابطه بین افشای مسئولیت اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در این رابطه، براساس تفاوت دفتری

با توجه به مقادیر آماره‌های F در این نگاره، معناداری مدل‌های رگرسیونی برازش‌شده در سطح خطای ۵ درصد تأیید می‌شود؛ ضمن اینکه ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر تعاملی $CSR*FAMILY$ در هر دو سنجه مدل دوم، منفی و در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بدین ترتیب، فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. همچنین، یکسان بودن علامت ضریب متغیر CSR در مدل اول و متغیر تعاملی $CSR*FAMILY$ در

می‌شود. درنهایت، به‌منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شد [۶۲، ۷۵].
نگاره (۷) نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش براساس معیار جایگزین برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهد.

مالیات به‌عنوان معیار جایگزین برای سنجش اجتناب مالیاتی، مجدد بررسی شد. تفاوت دفتری مالیات برابر با تفاوت بین سود قبل از مالیات و سود مشمول مالیات شرکت است که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه

نگاره ۷. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش براساس معیار جایگزین اجتناب مالیاتی

| متغیر | مدل اول | | | مدل دوم | | |
|----------------------|----------|--------------|---------|----------------------|--------------|---------|
| | ضریب | انحراف معیار | آماره t | ضریب | انحراف معیار | آماره t |
| C | -۰/۱۵۷ | ۰/۳۱۷ | -۰/۴۹۶ | -۰/۰۰۳ | ۰/۰۰۶ | ۰/۵۵۳ |
| CSR | -۰/۰۴۱* | ۰/۰۱۷ | -۲/۴۲۲ | -۰/۲۷۱** | ۰/۰۲۴ | -۱۱/۳۲۵ |
| FAMILY | --- | --- | --- | -۰/۰۴۱** | ۰/۰۱۰ | -۴/۲۱۰ |
| CSR*FAMILY | --- | --- | --- | -۰/۲۳۵** | ۰/۰۳۷ | -۶/۳۶۳ |
| ROA | ۰/۰۰۷** | ۰/۰۰۲ | ۴/۱۴۵ | ۰/۰۳۶** | ۰/۰۰۹ | ۴/۱۹۲ |
| GROW | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۴۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۳۳ |
| SIZE | ۰/۲۳۸** | ۰/۰۶۷ | ۶/۴۵۶ | ۰/۳۹۶** | ۰/۱۲۷ | ۳/۱۱۸ |
| LEV | ۰/۰۲۹ | ۰/۰۲۷ | ۱/۰۷۶ | ۰/۰۲۸ | ۰/۰۲۷ | ۱/۰۵۸ |
| CAPINT | ۰/۰۱۰ | ۰/۰۴۱ | ۰/۲۳۵ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۴۱ | ۰/۲۵۷ |
| INVINT | ۰/۰۲۳ | ۰/۰۵۰ | ۰/۴۶۷ | ۰/۰۲۷ | ۰/۰۵۰ | ۰/۵۳۱ |
| بیشترین vif | ۲/۰۱۲ | | | بیشترین vif | ۲/۵۶۴ | |
| آماره F فیشر | ۲۲/۴۵۲** | | | آماره F فیشر | ۲۶/۴۲۵* | |
| ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۵۲۳ | | | ضریب تعیین تعدیل شده | ۰/۵۶۸ | |
| آماره دوربین واتسون | ۱/۹۷۵ | | | آماره دوربین واتسون | ۲/۰۳۵ | |

* و ** به ترتیب بیان‌کننده معناداری آماری در سطح خطای ۵ درصد و ۱ درصد است.

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اجتناب از پرداخت مالیات، همواره یک استراتژی مهم برای شرکت محسوب شده که توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است؛ بنابراین، هدف از انجام این پژوهش، ارائه شواهدی درباره ارتباط بین عملکرد شرکت در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت و چگونگی تأثیر مالکیت خانوادگی بر راهبردهای صرفه‌جویی مالیاتی

نتایج بیان‌کننده آن است که مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه منفی و معناداری با اجتناب مالیاتی محاسبه‌شده براساس معیار مذکور دارد و مالکیت خانوادگی رابطه منفی مسئولیت‌های اجتماعی و اجتناب مالیاتی را تقویت می‌کند که این یافته‌ها با نتایج اصلی پژوهش منطبق است؛ بنابراین، نتایج پژوهش نسبت به استفاده از معیار جایگزین اجتناب مالیاتی حساس نبوده و از استحکام برخوردار است.

از طریق انجام مسئولیت اجتماعی است. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش حاکی از آن است که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، نتایج نشان دادند شرکت‌های فعال در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکتی تمایل چندانی به انجام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ندارند و اینگونه شرکت‌ها همواره به دنبال حفظ وجهه خود در جامعه‌اند؛ زیرا وجهه مثبت باعث افزایش ارزش سهامداران شرکت می‌شود. همچنین، به دلیل وجود هنجارهای اخلاقی حاکم بر محیط این شرکت‌ها، مدیران به تعهدهای خود در مقابل جامعه پایبند بوده‌اند و رفتارهای صادقانه‌تری از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین، مدیران این شرکت‌ها انگیزه کمتری برای اعمال رفتار فرصت‌طلبانه و در نتیجه، اجتناب مالیاتی دارند؛ بنابراین، نتایج پژوهش حاضر بیان‌کننده اهمیت ذینفعان (جامعه، رسانه‌های اجتماعی و غیره) در تضمین بقای شرکت است. همچنین، این نتایج مؤید اعتقاد به ضرورت وجود توازن بین مسائل اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی‌اند. مطابق با آنچه چن و همکاران [۲۹] و لاندری و همکاران [۵۸] اظهار داشتند، صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از اجتناب مالیاتی با افزایش عملکرد زیست‌محیطی و اجتماعی شرکت کاهش می‌یابد؛ زیرا شرکت‌ها از انجام هرگونه فعالیتی که اثر نامطلوب بر وجهه آنها داشته باشد، خودداری می‌کنند؛ بنابراین، نتیجه به‌دست‌آمده با یافته‌های این پژوهشگران سازگار است. در فرضیه دوم پژوهش، اثر تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی شد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان می‌دهند مطابق با نظریه ثروت اجتماعی - عاطفی، مالکیت خانوادگی، رابطه منفی بین مسئولیت اجتماعی شرکتی

و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را تشدید می‌کند؛ یعنی شرکت‌های خانوادگی تعهد بیشتری نسبت به مسئولیت اجتماعی شرکتی نشان می‌دهند و نسبت به فعالیت‌های اجتناب مالیاتی حساس‌اند و واکنش نشان می‌دهند. به عبارتی دیگر، مالکیت خانوادگی بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی اثرگذار است و رابطه منفی بین آنها را تشدید می‌کند. مالکان خانوادگی، بیشتر از سایرین نگران جریمه‌های بالقوه و لطمه به خوشنامی و اعتبار ناشی از ممیزی دولت‌اند و انگیزه کمتری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه و اجتناب مالیاتی دارند. مالکان خانوادگی مراقب شهرت و نام شرکت‌شان هستند؛ زیرا شرکت‌هایشان به‌صورت موروثی به نسل‌های آینده منتقل می‌شوند؛ در نتیجه، اینگونه استدلال می‌شود که شرکت‌های خانوادگی به سبب حفظ ثروت اجتماعی - عاطفی خود در فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی مشارکت می‌کنند. مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکتی باعث کاهش نتایج منفی تأثیرگذار بر ثروت اجتماعی - عاطفی شرکت‌ها و در نتیجه، وجهه و شهرت آنها می‌شود؛ بنابراین، این استدلال نشان می‌دهد به‌عنوان یک ویژگی حاکمیت شرکتی، مالکیت خانوادگی، مشکل بالقوه فرصت‌طلبی مدیریتی را کاهش می‌دهد و به موقعیت‌های اجتناب مالیاتی کمتری منجر می‌شود. لویز - گونزالز و همکاران [۶۳] نیز به نتایج مشابهی دست یافتند و دریافتند در شرکت‌های خانوادگی رابطه منفی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، قوی‌تر است.

با توجه به یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش، به مدیران، سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود با وجود تأثیر مالکیت شرکت، به‌ویژه از حیث خانوادگی بودن یا نبودن آنها به‌منظور

جلوگیری از اعمال رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت، در تصمیم‌گیری‌های خود به ساختار مالکیت شرکت توجه بیشتری کنند. به حساب‌رسان مالیاتی توصیه می‌شود به شرکت‌هایی که فعالیت‌های غیرمسئولانه اجتماعی دارند، توجه بیشتری نشان دهند؛ زیرا امکان فعالیت‌های اجتناب مالیاتی در آن شرکت‌ها بیشتر از دیگران است. همچنین، مدیران شرکت‌هایی که مسئولیت اجتماعی بیشتری داشته‌اند، می‌توانند با ارائه صورت‌های مالی شفاف و با پررنگ نشان دادن اینکه در برابر سهامداران احساس مسئولیت بیشتری دارند، برای جذب سرمایه بیشتر اقدام کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود حساب‌رسان مالیاتی نیز با عنایت به نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، در حساب‌رسی مالیاتی خود نوع مالکیت شرکت به‌خصوص مالکیت خانوادگی را در نظر داشته باشند و با توجه به نتایج این پژوهش، برای شرکت‌های غیر خانوادگی آزمون‌های بیشتری انجام دهند. همچنین، شرکت‌های خانوادگی می‌بایند با تقویت فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی خود درصدد تضمین امنیت ثروت اجتماعی - عاطفی خود باشند. سرمایه‌گذاران جزء نیز با عنایت به یافته‌های این پژوهش از رفتار سهامداران خانوادگی مطلع می‌شوند. ذینفعان نیز می‌توانند با استفاده از نتایج این پژوهش درک مطلوبی از مزایای مالکیت خانوادگی و تأثیر آن بر فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت به دست آورند. با توجه به محدودبودن جامعه آماری به شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، تسری نتایج به سایر شرکت‌ها باید با احتیاط انجام شود. همچنین، با توجه به اینکه هدف این پژوهش، بررسی نقش تعدیلی

مالکیت خانوادگی به‌منزله یکی از ساختارهای مالکیت بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها است، در صورت اعمال سایر متغیرهای احتمالی تأثیرگذار بر اجتناب از پرداخت مالیات مانند شرایط اقتصادی کشور، نرخ تورم، روابط اجتماعی بین مؤدی و سازمان مالیاتی و سایر عوامل، احتمالاً نتایج پژوهش دستخوش تغییراتی خواهد شد. در ادامه، به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود تأثیر سرمایه اجتماعی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و اجتناب مالیاتی، با توجه به نقش تعدیلی ارتباطات سیاسی مطالعه شود.

منابع

- ۱- اسماعیل‌پور، رضا، رضائی پسته‌نوئی، یاسر و محمد غلام‌رضایپور. (۱۳۹۸). مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و ضعف کنترل‌های داخلی: آزمون تجربی نظریه ذینفعان و علامت‌دهی. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، سال چهارم، شماره ۸، صص ۳۱۸-۳۳۸.
- ۲- حساس یگانه، یحیی و شهروز رضائی. (۱۳۹۷). مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، صص ۲۷-۵۸.
- ۳- حساس یگانه، یحیی، بولو، قاسم و شهروز رضائی. (۱۳۹۸). الگویی برای تأثیر ابعاد منتخب مسئولیت اجتماعی شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۳۰-۱۱۱.

- ۴- دارابی، رویا، پاشانژاد، یوسف و اسماعیل تدین فرد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۶۷-۹۲.
- ۵- رضائی پیتهنوئی، یاسر، صفری گرایلی، مهدی و محمد، نوروزی. (۱۳۹۸). مدل‌بندی نقش تعدیلی حاکمیت شرکتی بر رابطه بین اعتماد اجتماعی و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال نهم، شماره ۲، صص ۲۲۱-۲۴۶.
- ۶- رضائی پیتهنوئی، یاسر و محمد غلامرضا پور. (۱۳۹۹). واکاوی اجتناب مالیاتی در پرتو ساختار مالکیت با نقش تعدیلی کیفیت حسابداری: آزمون نظریه نمایندگی. *فصلنامه حسابداری مالی*، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۲-۴۸.
- ۷- صفری گرایلی، مهدی و یاسر رضائی پیتهنوئی. (۱۳۹۹). مدل‌سازی نقش تعدیلی محیط اطلاعاتی بر رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و اجتناب مالیاتی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال دهم، شماره ۴، صص ۸۳-۱۱۱.
- ۸- صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۷). مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ارزش‌گذاری بازار از نگاهداشت وجه نقد شرکت. *راهبرد مدیریت مالی*، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۶۳-۱۸۳.
- ۹- عرب، روح‌اله، غلامرضا پور، محمد، امیرنیا، نرجس و امیر عمادالدینی. (۱۳۹۹). بررسی نقش مالکیت دولتی بر رابطه اجتناب مالیاتی و حق‌الزحمة حسابداری: آزمون تجربی نظریه جیب بزرگ. *حسابداری مدیریت*، سال سیزدهم، شماره ۴۵، صص ۱۶۹-۱۸۶.
- ۱۰- فخاری، حسین و الهام فصیح. (۱۳۹۵). تأثیر مالکیت خانوادگی بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران (مبتنی بر تئوری نمایندگی). *دانش سرمایه‌گذاری*، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۱۴۵-۱۶۴.
- ۱۱- فخاری، حسین، رضائی پیتهنوئی، یاسر و محمد نوروزی. (۱۳۹۵). تأثیر افشای مسئولیت اجتماعی شرکت بر کارایی سرمایه‌گذاری. *راهبرد مدیریت مالی*، سال چهارم، شماره ۴، صص ۸۵-۱۰۶.
- ۱۲- مران‌جوری، مهدی، رضیه، علیخانی. (۱۳۹۳). افشای مسئولیت‌های اجتماعی و راهبری شرکتی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال بیست‌ویک، شماره ۳، صص ۳۲۹-۳۴۸.
- ۱۳- مهرانی، کاوه و اکبر پروائی. (۱۳۹۳). کیفیت افشا در شرکت‌های خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۴، صص ۵۴۰-۵۲۷.
- ۱۴- مهرآزین، علیرضا، قبدیان، بشیر، فروتن، امید و محمد تقی‌پور. (۱۳۹۲). مالکیت خانوادگی و غیر خانوادگی شرکت‌ها و مدیریت سود. *فصلنامه دانش حسابداری*، سال سیزدهم، شماره ۳۲، صص ۱۷۳-۱۵۱.
- ۱۵- معطوفی، علی‌رضا و محمد گلچوبی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه مالکیت خانوادگی و سرعت تعدیل در میزان نگاهداشت وجه نقد: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال نهم، شماره ۴، صص ۶۱-۸۲.
- ۱۶- نمازی، محمد و جلال اکبری قورقچی. (۱۳۹۱). بررسی عملکرد شرکت‌های خانوادگی و غیر

- Country Level Empirical Study. *Journal of International Management*, Vol. 15, Pp. 1-31.
- 26- Chan, K.H., Lin, K.Z., and P. L. L. Mo. (2010). Will a Departure from Tax-based Accounting Encourage Tax Noncompliance? Archival Evidence from a Transition Economy. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50, No. 1, Pp. 58-73
- 27- Chan, K.H., Mo, P.L.L., and A. Y. Zhou. (2013). Government Ownership, Corporate Governance and Tax Aggressiveness: Evidence from China. *Accounting and Finance*, Vol. 53, No. 4, Pp. 1029-1051.
- 28- Chen, H., Zeng, S., Lin, H., and H. Ma. (2017). Munificence, Dynamism, and Complexity: How Industry Context Drives Corporate Sustainability. *Business Strategy and the Environment*, Vol. 26, No. 2, Pp. 125-141.
- 29- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., and T. Shevlin. (2010). Are Family Firms More Tax Aggressive than Non-financial Firms? *Journal of Financial Economics*, Vol. 95, No. 1, Pp. 41-61.
- 30- Chen, X., Hu, N., Wang, X., and X. Tang. (2014). Tax Avoidance and Firm Value: Evidence from China. *Nankai Business Review International*, Vol. 2, No. 1, Pp. 25-42.
- 31- Chrisman, J. J., and P. C. Patel. (2012). Variations in R&D Investments of Family and Nonfamily Firms: Behavioral Agency and Myopic Loss Aversion Perspectives. *Academy of Management Journal*, Vol. 55, No. 4, Pp. 976-997.
- 32- Cruz, C., Larraza-Kintana, M., Garcés-Galdeano, L., and P. Berrone. (2014). Are Family Firms Really More Socially Responsible? *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. 38, No. 6, Pp. 1295-1316.
- 33- Deephouse, D. L., and S. M. Carter. (2005). An Examination of Differences between Organizational Legitimacy and Organizational Reputation. *Journal of Management Studies*, Vol. 42, No. 2, Pp. 22-2380.
- 34- Derashid, C., and H. Zhang. (2003). Effective Tax Rates and the 'Industrial Policy' Hypothesis: Evidence from Malaysia. *Journal of International*
- خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۱۶-۴۳.
- ۱۷- نمازی، محمد و محمد محمدی. (۱۳۸۹). بررسی کیفیت سود و بازده شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۹۴-۱۵۹.
- 18- Anderson, R.C., and D.M. Reeb. (2003). Founding-Family Ownership and Firm Performance: Evidence from the S&P 500. *Journal of Finance*, Vol. 58, No. 3, Pp. 1301-1328.
- 19- Andres, C. (2008). Large Shareholders and Firm Performance: an Empirical Examination of Foundingfamily Ownership, *Journal of Corporate Finance*, Vol. 14, No. 4, Pp. 431-445.
- 20- Bae, K., Kang, J., and J. Kim. (2002). Tunneling or Value Added? Evidence from Mergers by Korean Business Groups. *Journal of Finance*, Vol. 57, Pp. 2695-2740.
- 21- Berrone, P., Cruz, C., and L. R. Gómez-Mejía. (2012). Socioemotional Wealth in Family Firms: Theoretical Dimensions, Assessment Approaches, and Agenda for Future Research. *Family Business Review*, Vol. 25, No. 3, Pp. 258-279.
- 22- Berrone, P., Cruz, C., Gómez-Mejía, L. R., and M. Larraza-Kintana. (2010). Socioemotional Wealth and Corporate Responses to Institutional Pressures: Do Family-Controlled Firms Pollute less? *Administrative Science Quarterly*, Vol. 55, No. 1, Pp. 82-113.
- 23- Bertrand, M., Mehta, P., and S. Mullainathan. (2002). Ferreting out Tunneling: An Application to Indian Business Groups. *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 117, Pp. 121-148.
- 24- Casson, M. (1999). The Economics of the Family Firm. *Scandinavian Economics History Review*, Vol. 47, No. 1, Pp. 10-23.
- 25- Chakrabarty, S. (2009). The Influence of National Culture and Institutional Voids on Family Ownership of Large Firms: A

- Perspective. *Academy of Management Review*, Vol. 30, No. 4, Pp. 777–798.
- 46- Gómez-Mejía, L. R., Cruz, C., and C. Imperatore. (2014). Financial Reporting and the Protection of Socioemotional Wealth in Family-Controlled Firms. *The European Accounting Review*, Vol. 23, No. 3, Pp. 387–402.
- 47- Gómez-Mejía, L. R., Haynes, K. T., Nunez-Nickel, M., Jacobson, K. J. L., and J. Moyano-Fuentes. (2007). Socioemotional Wealth and Business Risks in Family-Controlled Firms: Evidence from Spanish Olive Oil Mills. *Administrative Science Quarterly*, Vol. 52, No. 1, Pp. 106–137.
- 48- Gómez-Mejía, L. R., Makri, M., and M. L. Kintana. (2010). Diversification Decisions in Family-Controlled Firms. *Journal of Management Studies*, Vol. 47, No. 2, Pp. 223–252.
- 49- Graham, J. R. (2003). Taxes and Corporate Finance: A Review. *Review of Financial Studies*, Vol. 16, No. 4, Pp. 1074–1128.
- 50- Graham, J. R., and A. L. Tucker. (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*, Vol. 81, No. 3, Pp. 563–594.
- 51- Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 16, No. 1, Pp. 1–34.
- 52- Ioannou, I., and G. Serafeim. (2012). What Drives Corporate Social Performance? The Role of Nation-Level Institutions. *Journal of International Business Studies*, Vol. 43, No. 9, Pp. 834–864.
- 53- James, H. (1999). Owner as Manager, Extended Horizons and the Family Firm. *International Journal of the Economics of Business*, Vol. 6, No. 1, Pp. 41–56.
- 54- Hoi, C. K., Wu, Q., and K. Zhang. (2013). Is Corporate Social Responsibility (CSR) Associated with Tax Avoidance? Evidence from Irresponsible CSR Activities. *The Accounting Review*, Vol. 88, No. 6, Pp. 2025–2059.
- 55- Jensen, M. C., and W. H. Meckling. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, Vol. 3, No. 4, Pp. 305–360.
- Accounting Auditing and Taxation*, Vol. 12, No. 1, Pp. 45–62.
- 35- Durán, R., Lozanoand, M. B., and S. Yama. (2016). Is Family Control Relevant for Corporate Cash Holding Policy? *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 43, No. 9, Pp. 1325–1360.
- 36- Dyer, G. W., and D. A. Whetten. (2006). Corporate Social Responsibility and Family Business in Spain. *Journal of Business Ethics*, Vol. 56, No. 1, Pp. 27–41.
- 37- Dyreng, S. D., Hanlon, M., and E. L. Maydew (2008). Long-Run Corporate Tax Avoidance. *Social Science Electronic Publishing*, Vol. 83, No. 1, Pp. 61–82.
- 38- Dyreng, S., Hanlon, M., Maydew, E., and J. Thornock. (2017). Changes in corporate effective tax rates over the past 25 years. *Journal of Financial Economics*, Vol. 124, No. 3, Pp. 441–563.
- 39- El Ghoul, S., Guedhami, O., Kwok, C. C. Y., and D. R. Mishra. (2011). Does Corporate Social Responsibility Affect the Cost of Capital? *Journal of Banking & Finance*, Vol. 35, No. 9, Pp. 2388–2406.
- 40- El Ghoul, S., Guedhami, O., Wang, H., and C. C. Y. Kwok (2016). Family Control and Corporate Social Responsibility. *Journal of Banking & Finance, Elsevier*, Vol. 73, No. C, Pp. 131–146.
- 41- Fama, E. F., and M. C. Jenses. (1983). Separation of Ownership and Control. *Journal of Law and Economics*, Vol. 26, No. 2, Pp. 301–325.
- 42- Frank, M., Lynch, L., and S. Rego. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and Its Relation to Aggressive Financial Reporting. *The Accounting Review*, Vol. 84, No. 2, Pp. 467–496.
- 43- Gaaya, S., Lakhali, N., and F. Lakhali (2017). Does Family Ownership Reduce Corporate Tax Avoidance? The Moderation Effect of Audit Quality. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 32, No. 7, Pp. 731–744.
- 44- Giannarakis, G. (2014). The Determinants Influencing the Extent of CSR Disclosure. *International Journal of Law and Management*, Vol. 56, No. 5, Pp. 393–416.
- 45- Godfrey, P. C. (2005). The Relationship between Corporate Philanthropy and Shareholder Wealth: A Risk Management

- of *Business Ethics*, Vol. 119, No. 1, Pp. 77–86.
- 66- Minnick, K., and T. Noga. (2010). Do Corporate Governance Characteristics Influence Tax Management? *Journal of Corporate Finance*, Vol. 16, No. 5, Pp. 703–718.
- 67- Preuss, L. (2010). Tax Avoidance and Corporate Social Responsibility: You Cannot Do Both, or Can You? *Corporate Governance*, Vol. 10, No. 4, Pp. 365–374.
- 68- Randøy, T., and S. Goel. (2003). Ownership Structure, Founder Leadership, and Performance in Norwegian SMEs: Implications for Financing Entrepreneurial Opportunities. *Journal of Business Venturing*, Vol. 18, No. 5, Pp. 619–637.
- 69- Richardson, G., Taylor, G., and R. Lanis. (2013). The Impact of Board of Director Oversight Characteristics on Corporate Tax Aggressiveness: an Empirical Analysis, *Journal Accounting Public Policy*, Vol. 32, No. 3, Pp. 68–88.
- 70- Schulze, W. S., Lubatkin, M. H., and R. N. Dino. (2003). Toward a Theory of Agency and Altruism in Family Firms. *Journal of Business Venturing*, Vol. 18, No. 4, Pp. 473–490.
- 71- Shleifer, A., and R. Vishny. (1986). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy*, Vol. 94, No. 3, Pp. 461–488.
- 72- Sikka, P. (2010). Smoke and Mirrors: Corporate Social Responsibility and Tax Avoidance—A Reply to Hasseldine and Morris. *Accounting Forum*, Vol. 37, No. 1, Pp. 15–38.
- 73- Steijvers, T., and M. Niskanen. (2014). Tax Aggressiveness in Private Family Firms: An Agency Perspective. *Journal of Family Business Strategy*, Vol. 5, No. 4, Pp. 335–396.
- 74- Wang, D. (2006). Founding Family Ownership and Earning Quality. *Journal of Accounting Research*, Vol. 44, Pp. 619–656.
- 75- Wilson, R.J. (2009), An Examination of Corporate Tax Shelter Participants. *Accounting Review*, Vol. 84, No. 3, Pp. 969–999.
- 76- Wiseman, R. M., and L. R. Gomez-Mejia. (1998). A Behavioral Agency Model of Managerial Risk Taking. *Academy of Management Journal*, Vol. 41, No. 3, Pp. 396–413.
- 56- Kim, K. A., and P. Limpaphayom. (1998). A Test of the Two-Tier Corporate Governance Structure: The Case of Japanese Keiretsu. *Journal of Financial Research*, Vol. 21, No. 1, Pp. 37–51.
- 57- Kovermann, J., and Wendt, M. (2019). Tax avoidance in family firms: Evidence from large private firms. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, Elsevier, Vol. 15, No. 2, Pp. 145–157.
- 58- Landry, S., Deslandes, M., Fortin, A. (2013). Tax Aggressiveness, Corporate Social Responsibility and Ownership Structure. *Journal of Accounting, Ethics & Public Policy*, Vol. 14, No. 3.
- 59- Lanis, R., and G. Richardson. (2012). Corporate Social Responsibility and Tax Aggressiveness: an Empirical Analysis. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 31, No. 1, Pp. 86–108.
- 60- Lanis, R., and Richardson, G. (2011). The Effect of Board of Director Composition on Corporate Tax Aggressiveness, *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 30, No. 1, Pp. 50–70.
- 61- Lin, K. Z., Cheng, S., and F. Zhang. (2017). Corporate Social Responsibility, Institutional Environments, and Tax Avoidance: Evidence from a Subnational Comparison in China. *The International Journal of Accounting*, Vol. 52, No. 4, Pp. 303–318.
- 62- Lin, S., Tong, N., and A. Tucker. (2014). Corporate Tax Aggression and Debt. *Journal of Banking and Finance*, Vol. 40, No. 1, Pp. 227–241.
- 63- López-González, E., Martínez-Ferrero, J., and E. García-Meca. (2019). Does Corporate Social Responsibility Affect Tax Avoidance: Evidence from Family Firms. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, Vol. 26, No. 2, Pp. 819–831.
- 64- Marques, P., Presas, P., and A. Simon. (2014). The Heterogeneity of Family Firms in CSR Engagement: The Role of Values. *SAGE Journal*, Vol. 27, No. 3, Pp. 206–227.
- 65- Mason, C., and J. Simmons. (2014). Embedding Corporate Social Responsibility in Corporate Governance: A Stakeholder Systems Approach. *Journal of Business Ethics*, Vol. 124, No. 1, Pp. 1–20.

- 79- Young, S., and M. Marais. (2011). CSR Reporting: An Institutional Perspective. *Finance and Corporate Governance Conference*, La Trobe University.
- 80- Zahra, S. A. (2005). Entrepreneurial Risk Taking in Family Firms. *Family Business Review*, Vol. 18, No. 1, Pp. 23-40.
- 81- Zhang, M.L.M., Zhang, B., and Z. Yi. (2016). Pyramidal Structure, Political Intervention and Firms' Tax Burden: Evidence from China's Local SOEs. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 36, No. 10, Pp. 15-25.
- Management Review*, Vol. 23, No. 1, Pp. 133-153.
- 77- Wu, L., Wang, Y., Luo, W. and P. Gillis. (2012), State Ownership, Tax Status and Size Effect of Effective Tax Rate in China. *Accounting and Business Research*, Vol. 42, No. 2, Pp. 97-114.
- 78- Xia, C., Cao, C., and K. C. Chan. (2017). Social Trust Environment and Firm Tax Avoidance: Evidence from China. *The North American Journal of Economics and Finance*, Vol. 42, Pp. 374-392.

